



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۸ مهر ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مسئله ۱۷- جواز نظر زن و مرد به بدن محارم- ادله (دلیل سوم و بررسی آن)

مصادف با: ۱ صفر ۱۴۴۱

سال دوم

جلسه: ۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ادامه بررسی دلیل سوم

بحث در ادله جواز نظر به همه بدن زن محرم بود. دلیل سوم آیه ۳۱ سوره نور است؛ محصل بحث ما در این قسمت از آیه این شد که آیه دلالت بر جواز نظر به همه بدن زن محرم را ندارد. احتمالاتی که در این آیه وجود دارد و مفسرین به آن اشاره کرده‌اند، احتمالات متعددی است؛ اقوال و آراء اینجا مختلف است. ما به تفصیل درباره این آیه در بحث نظر به اجنبیه و ستر و پوشش و حجاب مرأه، ان شاء الله بحث خواهیم کرد. چون این آیه از آیات حجاب است و بحث‌های مفصلی درباره آن صورت گرفته است؛ لذا ما الان در مقام آن نیستیم که پیرامون این آیه به نحو مستوفی بحث کنیم. اجمالاً اینکه با «لایبیدین زینتهن الا لبعولتهن» بخواهیم جواز نظر به همه بدن زن محرم را ثابت کنیم، عرض کردیم که این محل اشکال است؛ چه ما منظور از زینت را موضع الزینة بدانیم، چنانچه بسیاری از مفسرین این را گفته‌اند، و چه منظور از زینت را زینت طبیعی بدانیم، یعنی همان بدن و جسد مرأه را مجموعاً به عنوان زینت حساب کنیم، و چه زینت را به معنای ثیاب و لباس بگیریم، چنانچه برخی گفته‌اند مثل طبرسی در جوامع الجامع، فاضل مقداد در کنز العرفان، فاضل هندی در کشف اللثام، صاحب جواهر که با تعبیر «أنه لایبعد» این را ذکر کرده است. اینها همه بر این عقیده‌اند که زینت در اینجا به معنای لباس است. «لایبیدین زینتهن الا ما ظهر منها»، آن مقداری از لباس که آشکار است و شاهدش هم آیه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱ است؛ چون در شأن نزول این آیه گفته‌اند اعراب - به غیر قریش - وقتی به مسجد الحرام می‌رفتند برای طواف لباس‌هایشان را درمی‌آوردند و می‌گفتند این لباس‌ها لباس‌هایی است که ما با آن گناه کرده‌ایم. لذا شایسته و سزاوار نیست که ما با این لباس به طواف کعبه برویم. لذا عریاناً می‌رفتند و طواف می‌کردند؛ روزها مردان می‌رفتند و شب‌ها زنان می‌رفتند. بعد این آیه نازل شد: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»، که اینجا زینت به معنای ثیاب است، یعنی لباس‌هایتان را در موقع رفتن به هر مسجدی همراه داشته باشید و عریاناً وارد مسجد نشوید. این را شاهد گرفته‌اند که منظور از «لایبیدین زینتهن»، اشاره به همین معنای زینت در این آیه دارد، یعنی ثیاب و لباس.

به هر حال اگر ما زینت را به معنای ثیاب بگیریم یا به معنای موضع الزینة بگیریم یا حتی به معنای زینت ظاهری بگیریم، اینها هیچ کدام نمی‌تواند جواز نظر به جمیع جسد المرأه را ثابت کند. معنای موضع الزینة معلوم است؛ مواضع زینت یا گردن یا دست یا مچ یا پا یا بازوست. بر فرض جواز نظر به موضع زینت ثابت شود و منظور از زینت در این آیه موضع زینت باشد، ولی باز جواز نظر به جمیع جسد المرأه از آن استفاده نمی‌شود. ثیاب هم اگر مقصود باشد که واضح است. لذا مجموعاً

۱. الأعراف: ۳۱.

عرض کردیم این آیه چنین دلالتی ندارد. چون این آیه خیلی بحث دارد؛ ما این را موکول می‌کنیم به جای خودش که در آینده نزدیک در مورد این آیه بحث مفصل خواهیم داشت.

بررسی روایات مفسره زینت به بدن

فقط از باب اشاره عرض می‌کنم که در برخی روایات زینت را به بدن تفسیر کرده است. ما تا حالا گفتیم که زینت به معنای بدن نیست؛ زینت به معنای زینت خلقتی و طبیعی نیست؛ «لایبیدن زینتهن الا لبعولتهن»، گفتیم منظور از زینت همان زینت‌های مصنوعی است و طبق نظر برخی لباس. اما از بعضی روایات استفاده می‌شود که زینت به بدن اطلاق می‌شود؛ زینت المرأة یعنی بدن المرأة. وقتی می‌گویند زن زینتش را آشکار نکند، یعنی بدنش را نمایان نکند الا لهذا الطوائف، یعنی نمایاندن بدن برای این طوائف برای زن اشکالی ندارد؛ و نمایاندن بدن هم ملازم با جواز نظر است. از جمله:

روایت اول: روایت فضیل: «عَنْ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الذَّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ أَهْمَا مِنَ الزَّيْنَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ». (ذراع یعنی از آرنج تا مچ). فضیل می‌گوید: من از امام صادق (ع) سؤال کردم از آرنج تا مچ دست زن که آیا این قسمت هم از آن زینتی محسوب می‌شود که خداوند تبارک و تعالی نهی کرده از آشکار کردن آن برای دیگران، به جز شوهران و محارم. آیا این چنین است؟ آیا این هم از آن زینت‌هایی است که باید پوشیده بماند. «قَالَ (ع): نَعَمْ وَمَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزَّيْنَةِ وَمَا دُونَ السَّوَارِينِ»^۱، بله، نه تنها این قسمت زینت است بلکه مادون الخمار هم زینت است، یعنی آن چهارقدی که رو سر می‌اندازند که مو را می‌پوشاند و پایین‌تر از آن زینت است؛ یعنی گردن و سینه و اینها زینت است. اینجا بحث است در اینکه «ما دون السوارین» یعنی از مچ به طرف انگشتان (کفین) یا از مچ به طرف بالا. آن وقت این بحث است که اگر بخواهد از مچ به طرف بالا منظور باشد، این را که امام فرمود (ذراعین) و ذراع از آرنج تا مچ است؛ حال دوباره دارد می‌گوید «ما دون السوارین»؟، پس بعید است که منظور از آرنج تا مچ باشد. لذا گفته‌اند «ما دون السوارین» یعنی کفین و دست‌ها. اینجا بحث زیاد دارد و بین مفسرین و فقها اختلاف زیاد است. ما در این باره بحث مبسوطی خواهیم داشت.

براساس این روایت، زینتی که در این آیه خداوند تبارک و تعالی نهی کرده از ابداء آن، اطلاق شده بر بعضی از قسمت‌های بدن زن؛ یعنی کآن راوی و سائل اصل زینت بودن بدن زن را مفروغ عنه گرفته، منتهی می‌گوید آیا این هم جزء زینت است. امام (ع) می‌گوید بله، نه تنها این بلکه ما دون الخمار و ما دون السوارین، همه اینها زینت است. به حسب ظاهر این روایت مؤید آن است که زینت به بدن المرأة اطلاق می‌شود.

روایت دوم: روایت دیگری هم از هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة در همین رابطه وارد شده است: «عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرًا وَ سَأَلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا»، از امام صادق (ع) شنیدم در حالی که از او درباره آن مقداری که زن می‌تواند از زینت‌هایش آشکار کند. «قَالَ (ع): الْوَجْهَ وَ الْكَفَيْنِ»^۲. ظاهر این روایت آن است که آن مقداری از زینت که آشکار کردنش مجاز است، عبارت است از صورت و مچ دست به طرف انگشتان است.

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۲۰، ح ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۰۰، باب ۱۰۹ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱.
۲. قرب الاسناد، ص ۴۰؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۰۲، باب ۱۰۹ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۵.

این جا هم زینت اطلاق شده بر بدن، چون می‌گوید آن مقداری از زینت که می‌تواند آشکار کند وجه و کفین است. این نشان می‌دهد که اصلاً بدن المرأة زینة.

لذا روایاتی از این قبیل که این روایات با آنچه ما دیروز گفتیم سازگار نیست. ما گفتیم منظور از زینت در این آیه جسد المرأة نیست؛ احتمالاتی هست. یک احتمال این است که منظور از زینت، زینت طبیعی و خلقتی یعنی بدن و اندام زن باشد. «لاییدین زینتهن الا ما ظهر منها» یعنی لاییدین من بدنهن الا ما ظهر منها. حالا این «ما ظهر منها» را گفته‌اند وجه و کفین و یا نهایتاً قدمین را هم اضافه کرده‌اند. آیه دوم که می‌گوید «لاییدین زینتهن الا لبعولتهن»، می‌گوید زنان حق ندارند زینت‌های خودشان را به دیگران نشان دهند؛ منظور از این زینت که گفته‌اند یعنی لاییدین، آن قسمت‌های باطنی بدن‌شان است - غیر از وجه و کفین - به دیگران إلا برای محارم. کأن بدن المرأة دو قسمت دارد: یکی وجه و کفین و قدمین و یکی هم مابقی قسمت‌های بدن است. طبق این آیه زینت اطلاق شده به بدن و نشان دادن بدن به دیگران فقط برای قسمت ظاهرش - یعنی وجه و کفین - جایز است ولی برای محارم فرقی بین وجه و کفین و غیر آن نیست.

بررسی روایات

بینید من این را اجمالاً عبور می‌کنم و تفصیل آن را موقوف می‌کنیم به آینده.

اولاً: عرض ما این است که از نظر ما در این آیه با قطع نظر از آن روایات، زینت به معنای بدن المرأة نیست. درست است در بعضی روایات عین این تعبیر را داریم ولی اینجا منظور این آیه از زینت، بدن و اندام زن نیست؛ قرائن متعددی هم دارد که در جلسه قبل اشاره شد، از جمله آیه «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ»، اینکه وقتی دارند روی زمین راه می‌روند، پاهایشان را روی زمین نکوبند تا آن صدای خلخالی که به پایشان بسته شده، موجب طمع مردان ناپاک شود. این خودش گواه بر آن است که منظور از این زینت، زینت مصنوع بشری است. از نظر لغت هم معنایش معلوم است.

ثانیاً: به علاوه ما روایاتی داریم که مخالف با این روایات است. براساس آن روایات، زینت به مصنوع بشری اطلاق شده از جمله:

۱. روایتی که از زراره از امام صادق (ع) وارد شده: «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا قَالَ الزَّيْنَةُ الظَّاهِرَةُ الْكُحْلُ وَالْخَاتَمُ»، امام صادق (ع) درباره آیه «و لاییدین زینتهن الا ما ظهر منها» فرمود: منظور از «ما ظهر منها» یعنی ما ظهر من الزینة، و الزینة الظاهرة عبارت است از سرمه و انگشتر. هم سرمه دست ساز بشر است و هم انگشتر. این نشان می‌دهد که زینت در این آیه اطلاق بر بدن و اعضای بدن مرأة نشده، اتفاقاً سرمه و انگشتر دو وسیله زینتی هستند که بر صورت و بر دست مورد استفاده قرار می‌گیرند. یعنی کأن امام می‌خواهد بفرماید آن زینت‌هایی که بر وجه و کفین قرار داده می‌شود، ابداء آنها اشکالی ندارد. اینکه انگشتر دست زن باشد یا سرمه به چشمش مالیده باشد، این اشکالی ندارد.

سؤال:

استاد: اتفاقاً می‌تواند در همین راستا باشد که «سُئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا» که در حقیقت می‌گوید سؤال شد از زن که چه زینت‌هایی را می‌تواند آشکار کند، امام(ع) فرموده وجه و کفین. نه یعنی خود وجه و کفین، معنایش آن است که آن زینت‌هایی که بر وجه و کفین قرار داده، ابداء آنها اشکالی ندارد.

۲. روایت دیگر از ابوصیر است: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، می‌گوید از امام(ع) سؤال کردم درباره این آیه که معنای این آیه چیست. «قَالَ(ع): الْخَاتَمُ وَالْمَسْكَةُ وَ هِيَ الْقَلْبُ»، منظور از قَلْب همان سوار (النگو) است^۱. یعنی کآن امام می‌فرماید اینکه در آیه نهی شده از آشکار کردن زینت‌ها مگر آن زینت‌های ظاهره، منظور از زینت‌های ظاهره انگشتر و النگوست. دیگر بحث از دملج (بازوبند) و خلخال در اینجا نیامده است. «ما ظهر منها» را به انگشتر و النگو تفسیر کرده است. این یک بحثی دارد که این النگو که گفته می‌شود، این کجا قرار بگیرد؟ اگر این النگو در محدوده ذراع باشد، این ملازم با جواز نظر به ذراع است؛ یا اینکه النگویی که روی میچ قرار گیرد و جزئی از کفین باشد. به هر حال خود اینکه خاتم و قَلْب را در اینجا به عنوان زینت‌های ظاهره ذکر کرده، این مؤید آن است که منظور از زینت در آیه، بدن المرأة و اندام زن و جسد المرأة نیست؛ منظور از زینت یعنی همین چیزهایی که درست می‌کنند و به خودشان آویزان می‌کنند و یا از آن استفاده می‌کنند که به عنوان زینت شناخته می‌شود. در عرف و لغت نیز زینت به همین معناست؛ یعنی عرفاً و لغتاً به بدن زن زینت نمی‌گویند. ممکن است بگویند زیباست؛ اما اگر بگوییم بدن زن زینت است دیگر نباید بین زشت و زیبا یا پیر و جوان فرقی باشد. آیا می‌توانیم بگوییم بدن یک آدم زشت و بدترکیب زینت است؟ سؤال:

استاد: واقعا اگر قرار باشد زینت به جسد المرأة اطلاق شود، دیگر فرقی داشته باشد، در حالی که آنها همه زینت نیست ما هم نداریم جسد المرأة التي حسن الصورة، زینت باشد. بلکه گفته شده به حسب طبیعت بدن المرأة زینت است. طبق نظر اینها این آیه دارد می‌گوید «لا یبدين زینتهن» یعنی بدنشان را نشان ندهند. واقعاً بدن مرأه به معنای واقعی و به معنای عام، زینت محسوب می‌شود؟ یک زن بدهیکل و پیر را واقعاً می‌توانیم بگوییم که اندام او زینت محسوب می‌شود؟ هیچ وقت این حرف را نمی‌توان گفت. بله، در فروض خاصی اندام زن زینت محسوب می‌شود، در حالی که وقتی بحث طبیعت و خلقت به میان می‌آید، نباید این عوارض در آن تأثیر بگذارد. این خودش یک شاهد بر آن است که منظور از زینت بدن المرأة نیست. سؤال:

استاد: بر فرض یک زن جوان زشت باشد، این را چه می‌گویید؟ داستانش را نقل می‌کنند که هارون الرشید شعر مجنون برای لیلی را شنید. گفت مجنون را بیاورید تا ببینیم برای چه کسی این اشعار را می‌گوید. مجنون آوردند و بعد این اشعار را خواند و گفت این حتماً باید یک تحفه‌ای باشد. گفت این کیست که درباره او این شعرها را گفتی؟ گفت فلانی؛ هارون الرشید فرستاد تا آن دختر را بیاورند، از باب اینکه طمع کرده بود و گفته بود این باید یک چیز فوق العاده باشد. تا چشمش به این دختر افتاد، دید یک دختر سیاه و زشت و بدترکیب است. گفت این شعرها را برای این می‌گفتی؟ گفت تو نمی‌دانی، اگر مُشک اینقدر محبوب است، به خاطر رنگ سیاهی است که مثل رنگ لیلی است. همه چیز را در آن سیاهی رنگ معشوقه می‌دید که

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۲۱، ح ۴؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۰۱، باب ۱۰۹ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۴.

۲. لسان العرب، ج ۱، ص ۶۸۸.

اینقدر برایش جاذبه داشت که ارزش مشک را یک ارزش عرضی و تبعی می‌دانست به تبع لیلی. اینجا بحث این است که آقایان گفته‌اند منظور از زینت، دیگر نگفته‌اند کسی که عاشق باشد برای او زینت است؛ می‌گویند اندام زن زینت است. فتحصل مما ذکرنا کله که حتی روایاتی که بعضاً در تفسیر این آیه وارد شده و زینت را اطلاق کرده بر بدن و اندام زن یا بر بعضی از اعضای بدن زن، اینها هیچ کدام نمی‌تواند اثبات کند که این آیه در مقام بیان جواز ابداء بدن و آشکار کردن بدن برای محارم و بالتبع جواز نظر به جمیع بدن باشد. پس آیه فی نفسه دلالت ندارد؛ روایاتی هم که در ذیل این آیه وارد شده، به نظر می‌رسد که نمی‌تواند این مطلب را ثابت کند. عرض کردم که این آیه بحث‌های مفصلی دارد که در آینده خواهیم گفت.

«والحمد لله رب العالمین»